

آرته

جموړی اسلامي

روي ديگر ماجرای اهواز

● **مسبح مهاجری:** ... روی دیگر سکه را هم باید دید، همان عامل مهمی که اگر دیده و معالجه نشود، ماجرا ریشه‌کن خواهد شد و اگر همچنان مغفول بماند چیزی تغییر نخواهد کرد. روی دیگر سکه این است که در خوزستان، برای اشتغال، برای رفع فقر، برای عمران و آبادانی، برای رفع تبعیض و برای حل مشکلات آب‌وهوایی و ده‌ها مشکل ریزودرشت دیگر اقدام قابل‌توجهی نشده و همین کوتاهی زمینه را برای گوش‌دادن به پیام‌هایی که از آن سوی مرزها به‌ویژه باندهای تبهکار سلفی وهابی می‌رسد، آماده ساخته است. از جوان‌ها و نوجوان‌های از تحصیل بازمانده و جویای کاری که نه بودجه‌ای برای ادامه تحصیل دارند، نه شغلی و نه درآمدی که شکم آنها را سیر کند، چه انتظاری غیر از تبدیل‌شدن به گوش‌های شنوایی برای تبلیغات گمراه‌کننده بوق‌های سلفی وهابی آن‌هم هنگامی که بل لار‌های بادآورده نفتی سرازیرشده از جیب‌های گشاد آل‌سعود و آل‌نهیان و آل‌های دیگر همراه است می‌توان داشت؟ مگر به این فرموده معصوم که «کادالقرآن‌یکون کفرًا» بساور ندراید؟ اگر قبول دارید که وقتی فقر از یک در وارد خانه‌ای شود، ایمان از در دیگر همان خانه خارج می‌شود، پس نباید حتی لحظه‌ای در حل معضلات مردم خوزستان به‌ویژه مسائلی از قبیل بی‌کاری و فقر و بازماندن از تحصیل تردید و غفلت و کوتاهی کنید. به آگاهی حضرات مسئولان نظام جمهوری اسلامی می‌رسانم که وهابی‌ها و سلفی‌ها با توزیع دلارهای نفتی‌شان سال‌هاست که در حال سربرازگری در خوزستان هستند. بدون تعارف باید این واقعیت را گوشزد کنم که ما نیز با غفلت‌هایمان و با کم‌کاری‌ها و بی‌توجهی‌هایمان به فقر و بی‌کاری و دیگر مشکلات مردم خوزستان، موقتیت وهابی‌ها و سلفی‌ها برای سربرازگری از میان جوانان و نوجوانان بازمانده از تحصیل و جویای کار خوزستان سهیم بوده‌ایم و هستیم. ما باید قیل از همه خود را سرزنش کنیم که چرا به این واقعیت‌ها توجه نکرده و به وظایف خودمان در قبال این مردم عمل نکرده‌ایم... تنها راه این است که برای ریشه‌کن‌ساختن فقر و بی‌کاری و محرومیت از این استان اولویت و فوریت قائل شویم.

انتقاد

کوش شورا و ناله ما

● **عباس عبیدی:** کوش اگر کوش تو و ناله اگر ناله ماست، آنچه البته به‌جایی نرسد فریاد است. قضیه شورای محترم نگهبان و منتقدان آن مصداق روشن این بیت شعر است. سال‌هاست که همه نیروها نسبت به رفتارهای انتخاباتی این شورا در تأیید و ردصلاحیت‌ها انتقادات گوناگونی داشته‌اند، ولی به نظر می‌رسد که هیچ کوش شنوایی نباشد و در نتیجه هیچ پاسخ مستدلی نیز داده نمی‌شود. به‌طوری‌که اکنون منتقدان عملکرد این شورا از مجموعه اصلاح‌طلبان فراتر رفته‌اند و اصولگرایان نیز وارد این میدان شده‌اند و اخیراً یکی از نمایندگان شاخص این طیف اعلام کرده است که «مجلس محصول یک شرایط واقعی نیست، نظارت استصوابی پدر ما را درآورده است. آتهایی که از این نظارت طرفداری می‌کردند، امروز بیابند و نتیجه آن را ببینند... شورای نگهبان منشا ترس و بزندی نمایندگان شده است. ولی مهم‌تر از این مشکل، هنگامی است که بدانیم نامزدهایی که چنین ملاحظاتی را رعایت نمی‌کنند و حرف خود را می‌زنند، به همین علت ردصلاحیت شده‌اند و فقط کسانی وارد مجلس می‌شوند که با چندان در معرض افکار عمومی و اظهارنظر نبوده‌اند یا از ترس شورای نگهبان نهایت خودسانسوری را انجام داده‌اند. نتیجه چنین سیاستی، همان مجلسی می‌شود که رئیس‌جمهور سابق آنان را در یک کشنه‌سیاه، سکه یک یول کرد و صدای هیچ‌کس هم درنیامد!!! شورای نگهبان قادر به دفاع از عملکرد خود نیست... اصولاً نامزد واقعی یا از این فیلترینگ رد نمی‌شوند یا اگر هم از فیلتر بسیار تنگ رد شود، نمای شیره‌اش کشیده می‌شود که رمقی برای اقدام مؤثر از جانب او در مجلس باقی نمی‌ماند. شورایی که خود را مفسر قانون اساسی، مرجع تشخیص انطباق یا عدم انطباق قوانین با شرع و قانون اساسی و نیز ناظر انتخابات آن هم به مفهوم استصوابی با تعبیر خودشان و غریب‌ساختو که به هیچ مرجعی و غیرشفاف است، کارکردی ناچیزی بهتر از اینکه در کشور می‌بینیم، نخواهد داشت.

کیشان

کشورا عبرت کره شمالی کردند خود عبرت نگرفتند

● **جعفر بلسوری:** معتقدیم، وضعیت اقتصادی امروز، حاصل برجام است. برجام فقط توان هسته‌ای کشور را نگرفته، اراده برخی مسئولان را هم رگرفته است. حقیقتاً عجیب است که با وجود این همه خسارت، امید برخی هنوز به برجام است، امید به چیزی که مرده، نتیجه‌ای بهتر از چیزی که در نیمت نیاید داشته باشد. «انفعال» دولت شاید به دلیل همین امید واهی باشد. امید همیشه هم خوب نیست، باید دید به چه امید بسته‌ایم؟

politics@sharghdaily.ir

دیپلماسی



تحلیلی بر گزینه‌های محتمل پیش‌روی ایران در فضای کنونی بین‌المللی

چه می‌شود؟

استثناا جاقو در حال بریدن دسته خوداست

همراهی دولت‌های عمده اروپایی، سرسختانه برای تضعیف رقیب تلاش کرده و البته در این راه روی صوری و تحمل ایران حساب ویژه باز کرده‌اند. در هفته‌های اخیر به‌وضوح آغاز فعالیت‌های مجدد باراک اوباما و جان کری را در فضای سیاسی- رسانه‌ای آمریکا شاهد بوده‌ایم؛ به‌طوری‌که عمداً با پرداختن به دولت ترامپ و شخص او و نیز طرح موضوعات حساسی مانند برجام و ایران چوب را در لانه زنبور می‌برند و بازنده مطرح‌شدن هرچه بیشتر، چنین مسائلی را هیئت رادیکال مستقر در کاخ سفید می‌دانند.

حسد اینکه مسئله‌ای که در حال حاضر برای ما ساخته‌وپرداخته و به‌ما تحمیل کرده‌اند چه آینده‌ای و چه طرف زمانی را خواهد داشت، امری سهل نخواهد بود و تلاش در این زمینه نه امری تخصصی بلکه به‌غایت تقلیل‌گرایانه است؛ چراکه این مسئله چندین طرف گوناگون دارد که هر کدام، بازی، منافع و تأثیرات خود را بر نتیجه دارد و به‌واسطه این چندفاکتوری‌بودن، سیستم به‌قدری پیچیده خواهد بود که فراتر از تحلیل، امر دیگری متصور نیست. آنچه ایران می‌تواند انجام دهد فارغ از تن‌دادن زودهنگام به مذاکره با ترامپ یا خروج از برجام به‌عنوان گزینه‌های روی میز، عملاً همین شی کج‌دورمیز، تحمل شرایط و پیشبرد منافع مشترک است؛ اشتراک منافعی نانوشته که میان ایران، اروپا، چین و به‌خصوص دموکرات‌های آمریکا در تضعیف و کنترل ترامپ وجود دارد و یکی از کلیدی‌های آن

در دست ایران و تن‌ندادن (لااقل تا نوامبر) به آنچه ترامپ می‌خواهد، است. اما درعین‌حال نباید فراموش کرد که این بازی، هم خطرناک است و هم اینکه بخش مهمی از هزینه‌های سیاسی و اقتصادی آن بر دوش ایران خواهد بود.

خروج از برجام انتخاب سیاسی صحیحی به نظر نمی‌رسد، ایران در این صورت از مشروعیت خود در باب مسئله هسته‌ای که ناشی از برجام و عمل به آن و در نتیجه تأییدات مکرر آژانس است، کاسته و با دست خود، موضع خویش را تضعیف می‌کند، تحریم‌های یک‌جانبه را به تحریم‌های جهانی تبدیل کرده و با دست خود بر فشار موردنظر ترامپ افزوده است. اما درعین‌حال آنچه دستگاه سیاست خارجی ایران می‌تواند انجام دهد، تماس‌های حداقلی با کاخ سفید به شکلی است که دست خود را برای مذاکره با ایشان بسته و از این رهگذر، صحنه را برای اطراف دیگر نیز بازی (یعنی همان دموکرات‌ها و به تبعیت از آنها اروپا و چین) خالی از رقیب و تهدید باقیو نشان ندهد، بلکه بتواند هم‌زمان عدم مذاکره خود را نقدا به ایشان بفروشد و امتیازاتی دریافت کند. اگر بتوان این‌بوی بازی کرد، با رسیدن دموکرات‌ها به هر کدام از کرسی‌های قدرت -از-کنگره گرفته تا سنا و ریاست‌جمهوری- ایران می‌تواند با بسط منافع ملی خود بدون پرداخت هزینه‌های بعدی، مشکلات راهبردی خود را در جهان غرب و به‌خصوص ایالات متحده، از محل اختلافات کنونی آمریکا در بولک درمه در آمریکا حل کرده و امتیازات خود را در دست نگاه

دارد. این البته همان بازی از موضع قدرت به‌واسطه اختلاف دو رقیب است؛ کاری که در تاریخ ما غربی‌ها و بلاخص انگلستان در ایران بسیار کرده‌اند. تاریخ دیپلماسی ما نیز از این نمونه‌ها دارد: برای مثال مذاکره قوام‌السلطنه با استالین و بازپس‌گیری آذربایجان به‌واسطه رقابت بین شوروی و آمریکا، هنگامی که ایران از نظر نهادهای قدرت، موقعیتی به‌مراتب ضعیف‌تر از امروز داشت و حتی موضوع مذاکره، خاک به‌تصرف‌درآمده بود. امروز به لطف

سیاست‌های کودکانه دونالد ترامپ، بزرگ‌ترین رقیب آمریکا، خود این کشور است. هنگامه اختلاف حداکتری بین طیف‌ها اوباما-که هنوز داعیه قدرت دارد- و تیم ترامپ، به‌عنوان دو سر طیف سیاست آمریکا، از معدود بزنگاه‌هایی است که می‌توان قدرت ایالات متحده را علیه خود او به کار گرفت؛ جاقویی که استثناا در حال بریدن دسته خود است را نباید پرتکرار دید. اگر اوباما و تیم معطفش با سیاست‌های به‌غایت لیبرال (با استانداردها آمریکایی) فرصتی را برای ایران فراهم کرد و استفاده نسبی ایران از این فرصت به افزایش مشروعیت‌بین‌المللی کشور و ایجاد ترک‌های راهبردی در میان قدرت‌های جهان و نیز متحدان آمریکا منجر شد، دولت ترامپ نیز امروز به دلیل افراط کودکانه و دشمن‌تراشی‌های داخلی و بین‌المللی‌اش می‌تواند به منزله فرصتی برای ما دیده شود. این مهم البته هم به مهارت دیپلماتیک نیاز دارد و هم به اتخاذ راهبرد صحیح و مبتنی بر منافع ملی. کمتر کسی در نکته نخست یعنی مهارت دیپلماتیک تیم مستقر در وزارت امور خارجه تردید به خود راه می‌دهد و در مورد دوم هم با توجه به نمونه‌هایی که در سننات گذشته شاهد بوده‌ایم می‌توان امید داشت که عمل‌گرایی مبتنی بر منافع ملی را هرچند در قالبی ایده‌آلیستی شاهد باشیم. باید تهدید ترامپ را با اندک‌لبی و بازی صحیح به‌فرصت تبدیل کرد و از این فرصت نهایت استفاده را برد. در این میان باید هرچه بیشتر به داخل نگریمت و اعتماد و امید احیاناً آسب‌خورده ملی را بازسازی کرد. این کار به واقع دشوار نیست؛ رفع برخی محدودیت‌های داخلی، استفاده از جوان، متخصص و جهان‌دیده و دمدین امید دوباره در میان ملت در صورت وجود چنین اراده‌ای فعلاً ناممکن نیست.

استفاده از وضعیت کنونی بین‌المللی، بالقوه و مشروط به شرایطی فوق‌نه‌تنها به بازگشت به برجام و برداشته‌شدن تحریم‌ها، بلکه می‌تواند با کمترین هزینه در رفع همه محدودیت‌های چهار دهه گذشته بینجامد.

ایران در مسیر جهان

حمید اوضح . تحلیلگر توسعه و تجارت بین‌الملل

درحالی‌که دکتر حسن روحانی، رئیس‌جمهور کشورمان، با پیروزی در انتخابات، فصل نوینی را در پهنای گسترده تاریخ معاصر ایران گشوده است، این امر نه‌فقط نشان‌دهنده شکل‌گیری ایرانی نوین در پهنای منطقه و جهان است؛ بلکه به‌روشنی گویای تثبیت پارادایم‌های ماهوی ایران معاصر در عرصه جهانی است. سخنان اخیر دکتر حسن روحانی رئیس‌جمهوری در حضور نمایندگان مجلس شورای اسلامی به‌روشنی گویای صدای رسای مردم‌سالاری و وجود فرایند دموکراتیک در کشور تمدن ایران بود. البته این مسیر از سال ۹۲ که با مشارکت گسترده مردم به‌ویژه نخبگان سیاسی و اجتماعی و انتخاب رویکرد اعتدال در کشور آغاز شد و دولت یازدهم در دو عرصه داخلی و بین‌المللی، کارنامه‌ای درخشان از خود بر جای گذاشت.

دراین‌میان با توجه به تحولات کنونی منطقه خاورمیانه و نیز مجموعه موفقیت‌های دولت یازدهم و تداوم آن در سال‌های پیش‌رو، موفقیت‌های رویکرد اعتدال در عرصه بین‌المللی به مرور زمان، نمود بیشتری پیدا کرد و سبب جلب توجه جامعه بین‌المللی به سوی ایران شد. کتاب «ایران در مسیر جهان؛ سیاست خارجی رئیس‌جمهور روحانی» که از سوی انتشارات مک میلان منتشر شده است، به بازتاب موفقیت‌کنونی منطقه روحانی و تیم سیاست خارجی خود و نیز تأثیر آن بر آرایش سیاسی منطقه و جهان پرداخته است.

دو نویسنده این کتاب، پروفسور شهرام اکبرزاده و دکتر دارا کندوت، از کارشناسان مهم منطقه راهبردی خاورمیانه در دانشگاه دیکین استرالیا، در این کتاب با بررسی دقیق سیاست خارجی جهان به‌طور حرفه‌ای و راهبردی در زمینه‌های سیاست خارجی، توسعه و اقتصاد ایران در مهم‌ترین حوزه‌های گوناگون در عرصه بین‌المللی مورد کنکاش قرار گرفته است. در بخشی از این کتاب دانشگاهی، به موفقیت بزرگ ایران در دستیابی به توافق جامع اقدام مشترک (برجام) و دستاوردهای روزافزون آن پرداخته شده است؛ توافقی که موجب شد تا توطئه ایران‌هراسی که با هدف تضعیف جایگاه ایران در منطقه و جهان طراحی شده بود، ناکام بماند و ایران معاصر با تثبیت موقعیت پر خود در منطقه و جهان، گامی مهم در راستای توسعه و پیشرفت کشور برظرفیت و بزرگ ایران بردارد. این دو کارشناس بین‌المللی که

ادامه از صفحه اول

۱۵ میلیون پرونده در محاکم!

همین تجویز قانون‌گذار که اجازه تشکیل دادگاه با حضور دو نفر را داده، امروزه به‌صورت رویه درآمد است و اکثر قریب‌به‌اتفاق محاکم تجدیدنظر با حضور دو نفر تشکیل می‌شود و در مواردی که دو عضو دادگاه نظر متفاوتی داشته باشند، عضو سوم به جمع آنان اضافه می‌شود که رأی با اکثریت و اقلیت صادر شود. کاش بخش پایانی ماده جواز رسمیت دادگاه با حضور دو نفر را صادر نمی‌کرد و دادگاه‌های تجدید نظر با حضور سه نفر تشکیل می‌شد. اشاره کردم که نقش دیوان کاهش داده شده است.

برابر ماده ۲۲۸ قانون آیین دادرسی کیفری تنها آرای صادره درباره جرائمی که مجازات قانونی آنها سلب حیات، قطع عضو، حبس ابد یا تعزیر درجه چهار و بالاتر است و جنایات عمدی علیه تمامیت جسمانی که میزان دید آنها ثلث دید کامل مجنی علیه یا بیش از آن است و آرای صادره درباره جرائم سیاسی و مطبوعاتی، قابل فرجام‌خواهی در دیوان عالی کشور هستند. دیگر دعاوی قابل فرجام‌خواهی تشخیص داده نشده‌اند که این مهم با اصل کلی برای ایران فراهم کرد و استفاده نسبی ایران از این فرصت به افزایش مشروعیت‌بین‌المللی کشور و ایجاد ترک‌های راهبردی در میان قدرت‌های جهان و نیز متحدان آمریکا منجر شد، دولت ترامپ نیز امروز به دلیل افراط کودکانه و دشمن‌تراشی‌های داخلی و بین‌المللی‌اش می‌تواند به منزله فرصتی برای ما دیده شود. این مهم البته هم به مهارت دیپلماتیک نیاز دارد و هم به اتخاذ راهبرد صحیح و مبتنی بر منافع ملی. کمتر کسی در نکته نخست یعنی مهارت دیپلماتیک تیم مستقر در وزارت امور خارجه تردید به خود راه می‌دهد و در مورد دوم هم با توجه به نمونه‌هایی که در سننات گذشته شاهد بوده‌ایم می‌توان امید داشت که عمل‌گرایی مبتنی بر منافع ملی را هرچند در قالبی ایده‌آلیستی شاهد باشیم. باید تهدید ترامپ را با اندک‌لبی و بازی صحیح به‌فرصت تبدیل کرد و از این فرصت نهایت استفاده را برد. در این میان باید هرچه بیشتر به داخل نگریمت و اعتماد و امید احیاناً آسب‌خورده ملی را بازسازی کرد. این کار به واقع دشوار نیست؛ رفع برخی محدودیت‌های داخلی، استفاده از جوان، متخصص و جهان‌دیده و دمدین امید دوباره در میان ملت در صورت وجود چنین اراده‌ای فعلاً ناممکن نیست.

استفاده از وضعیت کنونی بین‌المللی، بالقوه و مشروط به شرایطی فوق‌نه‌تنها به بازگشت به برجام و برداشته‌شدن تحریم‌ها، بلکه می‌تواند با کمترین هزینه در رفع همه محدودیت‌های چهار دهه گذشته بینجامد.
● **عباس عبیدی:** کوش اگر کوش تو و ناله اگر ناله ماست، آنچه البته به‌جایی نرسد فریاد است. قضیه شورای محترم نگهبان و منتقدان آن مصداق روشن این بیت شعر است. سال‌هاست که همه نیروها نسبت به رفتارهای انتخاباتی این شورا در تأیید و ردصلاحیت‌ها انتقادات گوناگونی داشته‌اند، ولی به نظر می‌رسد که هیچ کوش شنوایی نباشد و در نتیجه هیچ پاسخ مستدلی نیز داده نمی‌شود. به‌طوری‌که اکنون منتقدان عملکرد این شورا از مجموعه اصلاح‌طلبان فراتر رفته‌اند و اصولگرایان نیز وارد این میدان شده‌اند و اخیراً یکی از نمایندگان شاخص این طیف اعلام کرده است که «مجلس محصول یک شرایط واقعی نیست، نظارت استصوابی پدر ما را درآورده است. آتهایی که از این نظارت طرفداری می‌کردند، امروز بیابند و نتیجه آن را ببینند... شورای نگهبان منشا ترس و بزندی نمایندگان شده است. ولی مهم‌تر از این مشکل، هنگامی است که بدانیم نامزدهایی که چنین ملاحظاتی را رعایت نمی‌کنند و حرف خود را می‌زنند، به همین علت ردصلاحیت شده‌اند و فقط کسانی وارد مجلس می‌شوند که با چندان در معرض افکار عمومی و اظهارنظر نبوده‌اند یا از ترس شورای نگهبان نهایت خودسانسوری را انجام داده‌اند. نتیجه چنین سیاستی، همان مجلسی می‌شود که رئیس‌جمهور سابق آنان را در یک کشنه‌سیاه، سکه یک یول کرد و صدای هیچ‌کس هم درنیامد!!! شورای نگهبان قادر به دفاع از عملکرد خود نیست... اصولاً نامزد واقعی یا از این فیلترینگ رد نمی‌شوند یا اگر هم از فیلتر بسیار تنگ رد شود، نمای شیره‌اش کشیده می‌شود که رمقی برای اقدام مؤثر از جانب او در مجلس باقی نمی‌ماند. شورایی که خود را مفسر قانون اساسی، مرجع تشخیص انطباق یا عدم انطباق قوانین با شرع و قانون اساسی و نیز ناظر انتخابات آن هم به مفهوم استصوابی با تعبیر خودشان و غریب‌ساختو که به هیچ مرجعی و غیرشفاف است، کارکردی ناچیزی بهتر از اینکه در کشور می‌بینیم، نخواهد داشت.

politics@sharghdaily.ir